

نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم

یوسف مولایی*

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۸/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۵/۱۱/۱۵)

چکیده:

حق به محیط زیست سالم به طور کلی مستقل از حقوق محیط زیست قلمداد می‌گردد، طرفداران حقوق بشر حق به محیط زیست را به عنوان یک حق مستقل حقوق بشری برای داشتن محیط زیست با کیفیت به رسمیت می‌شناسند. حق به محیط زیست هم منعکس‌کننده ارزش‌های متعالی و پایه‌ای همانند حق به حیات، حق سلامتی، حق به زندگی با استاندارد است و هم با پیش‌نیازهای تداوم حیات نسل کنونی و نسل‌های آتی همانند توسعه پایدار ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک دارد. در این مقاله، رابطه محیط زیست و حقوق بشر بر پایه دو دیدگاه انسان محور و محیط زیست محور، مورد بحث قرار گرفته است. در دیدگاه انسان محور، وضعیت محیط به دلیل فشار و تأثیر مستقیمی که تداوم حیات و کیفیت زندگی، سلامتی و رفاه بشر دارد، مورد توجه قرار می‌گیرد. به طور کلی سه دیدگاه در خصوص جایگاه حقوق بشر به محیط زیست محور وجود دارد. بررسی رویه دولت‌ها و رویه قضایی نشان می‌دهد که حق به محیط زیست برای شناخته شدن به عنوان یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر راه درازی در پیش دارد، چرا که نسل سوم حقوق بشر هم به لحاظ مبانی، محتوا و مضمون و هم به لحاظ شیوه قضایی پیگیری مطالبات افراد در مقابل عموم، با چالش‌های جدی مواجه می‌باشد.

واژگان کلیدی:

نسل سوم - حق محیط زیست - حقوق همبستگی - دیدگاه محیط زیست محور - دیدگاه انسان محور - اسناد حق به محیط زیست - شکایات فردی در زمینه حق محیط زیست - حق دسترسی به اطلاعات - حق جبران خسارت زیست محیطی - حق مشارکت

مقدمه:

حقوق محیط زیست بخشی از حقوق بین الملل عمومی است که مناسبات بین تابعین حقوق بین الملل (دولت ها و سازمان های بین المللی) را تحت نظم قرار می دهد. این نظم حقوقی عمدتاً بر معاهدات دو جانبه و چند جانبه و عرف و رویه قضایی بین المللی استوار می باشد.

اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ توجه جهانیان را به اهمیت محیط زیست را بیشتر جلب کرد و موجب شکل گیری اصول، قواعد، بیانیه ها و اعلامیه ها و نهادهای تخصصی در زمینه حقوق محیط زیست گردید. مناقشات ناظر بر مدیریت منابع طبیعی، آلودگی فرامرزی، ریسک های زیست محیطی جهانی، نظیر تغییر آب و هوا، آسیب دیدگی لایه اوزون تهدیدات ناشی از دفن زباله های اتمی، موجب شدند در دهه ۱۹۸۰ مفهوم امنیت اکولوژیکی در مناسبات بین الملل شکل گرفته و مسائل زیست محیطی در دستور کار سازمان های منطقه ای، سازمان ملل و آژانس های تخصصی قرار گیرد. برگزاری کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط زیست و توسعه در ژوئن سال ۱۹۹۲ یک بار دیگر توجه جهانیان را بر ضرورت تأمین بهتر همکاری در خصوص مسائل زیست محیط جهانی، با محوریت توسعه پایدار جلب کرد. سیاست گذاری و مدیریت منابع طبیعی مشترک و مدیریت ریسک های زیست محیطی فرامرزی، تدوین حقوق بین الملل در برنامه محیط زیست سازمان ملل، کمیسیون حقوق بین الملل و ارگان های منطقه ای نظیر کمیسیون اقتصادی اروپا (ECE) و شورای همکاری و امنیت اروپا قرار گرفت. مجموعه اصول و قواعد محیط زیست بر سه محور تعهد به همکاری برای اطلاع رسانی، تبادل اطلاعات و هماهنگی سیاست ها در زمینه منابع طبیعی مشترک، ریسک های فرامرزی، حل و فصل اختلافات و جبران خسارات می باشد که همگی در حوزه مناسبات بین دولت ها قرار می گیرد. تخمین زده می شود که امروزه ۳۰۰ معاهده چند جانبه و حدود هزار معاهده دو جانبه در زمینه حفظ و حمایت از محیط زیست وجود دارد. به موازات این تحولات، حمایت از حقوق بشر به یک موضوع مورد علاقه بین المللی تبدیل گردیده و فرایند بین المللی شدن حفاظت از حقوق بشر و محیط زیست آغاز شده است. در رویکرد جدید به محیط زیست، حق داشتن و برخورداری از محیط زیست مناسب به طور کلی مستقل از حقوق زیست محیطی قلمداد می گردد. طرفداران حقوق بشر، حق به محیط زیست را به عنوان یک حق مستقل حقوق بشری برای داشتن محیط زیستی با کیفیت خاص می شناسند و معمولاً به عنوان "حق داشتن محیط زیست مناسب" شناخته می شود. از این زاویه حق به محیط زیست سالم در مجموعه نسل جدید حقوق بشر قرار می گیرد که اصطلاحاً آن را حقوق

همبستگی می‌نامند. برای بررسی موضوع‌ها و مطالب بالا، این نوشتار با رعایت اختصار در سه بخش سازمان‌دهی شده است:

۱. نظریه‌ها و رویکردها
۲. اسناد بین‌المللی ناظر به حق به محیط زیست
۳. بررسی رویه‌های بین‌المللی

۱. نظریه‌ها و رویکردهای حق به محیط زیست

حق به محیط زیست منعکس‌کننده ارزش‌های متعالی و پایه‌ای همانند حق به حیات، حق به سلامتی، حق به زندگی با استاندارد می‌باشد، و هم با پیش نیازهای تداوم حیات نسل کنونی و نسل‌های آتی همانند توسعه پایدار ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک دارد.

حفظ نسل انسان و تداوم حیات انسان در محیط امن و عاری از جنگ و خشونت از اهداف و موضوعات سازمان ملل متحد می‌باشد. (Giorgetta, 1993, p.2) حمایت از بهسازی محیط زیست مستقیماً از نیازهای حیاتی برای حفاظت از زندگی انسان ناشی می‌گردد تا کیفیت و شرایط آن را تأمین کند و پیش شرط‌های غیرقابل اجتناب برای مراقبت از کرامت انسان و سعادت و توسعه شخصیت انسانی را تضمین نماید. (Pathak, 1992, p.209) تنزل کیفیت محیط زیست یک تهدید جدی برای بقای انسان می‌باشد. (ICJ 1996, para.29) از این رو احترام به حقوق بشر ارتباط مستقیم و تنگاتنگی به حمایت و حفاظت از محیط زیست دارد. چرا که زندگی انسان و تداوم حیات او و کیفیت زندگی او منوط به سلامتی و شادابی محیط زیست است. (Boyle, Alan E and Anderson, 1988, p.10) از آنجا که نوع بشر در محیط ناسالم و آلوده در معرض انقراض و نابودی می‌باشد از این رو برای بقای نسل بشر محیط زیست می‌باید مورد حمایت قرار گیرد. (Gormely, 1988, p.32.)

در مقاله‌ای با عنوان محیط زیست به مثابه حقوق بشر، دو تن از فیزیک‌دانان در یک مطالعه و بررسی علمی و بر پایه آمار و نمودار از این ایده دفاع کرده‌اند که کیفیت محیط زیست طبیعی انسان باید به حدی مطلوب باشد که در خدمت فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی بوده و منبعی برای نشاط انسان در حال و آینده قرار گیرد. این رویکرد بر نحوه استفاده انسان از انرژی و سیاست‌های دولت‌ها تأثیر می‌گذارد. این مقاله اظهار می‌دارد که تقویت راه‌حل‌های علمی و استفاده از دانش برای حفاظت از محیط زیست ضروری است ولی کافی نیست. می‌باید در خصوص نگاه و رابطه‌مان با طبیعت بازنگری کنیم و امکانات جامعه و توانائی‌های انسان و ظرفیت‌های تکنولوژیکی را به سمت محافظت از محیط طبیعی خود سوق دهیم. تدوین‌کنندگان مقاله از ارتقاء سطح زندگی کشورهای در حال توسعه در حد استانداردهای

کشورهای توسعه یافته دفاع کرده و از همبستگی شمال و جنوب در حمایت از محیط زیست دفاع می‌کنند. (Boker and Grondelle Vol.pp.74-93.)

رابطه بین حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب نموده است، از نظر آقای فیتس موریس سه مکتب فکری بزرگ در این مورد وجود دارد. (Fitzmaurice, 1999, pp. 611-656.)

یک دیدگاه از این امر حمایت می‌کند که بدون حق به محیط زیست، حقوق بشر وجود ندارد (Ibid.p.612) در دیدگاه دیگر وجود این حق و یا ظهور آن بشدت سؤال‌برانگیز است (Ibid) و بالاخره دیدگاه سوم براین باور است که حق بر محیط زیست سالم از بخش‌های دیگر حقوق بشر همچون حق به زندگی، حق به سلامتی، حق به اطلاعات قابل استخراج و شناسایی است. (Shelton 1991, p.105.) در یک رویکرد متفاوت رابطه محیط زیست و حقوق بشر بر پایه دو دیدگاه انسان محور و محیط زیست محور (environmentalist) مورد بحث قرار گرفته است (Cook and Chambers, 2003, p. 12) در دیدگاه انسان محور، وضعیت محیط زیست به دلیل فشار و تأثیر مستقیمی که تداوم حیات و کیفیت زندگی، سلامتی و رفاه بشر دارد مورد توجه قرار می‌گیرد. (Razaque, 2002, para. 13.)

دیدگاه انسان محور بر حمایت از خیر و رفاه تک تک افراد متمرکز است این رهیافت سنتی حقوق بشری برای مثال در رویه قضایی ناظر به کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی یافت می‌شود. فرمول جدیدتر هیافت انسان محور در مورد حقوق زیست محیطی به ارتباط میان نابودی محیط زیست، نقض حقوق بشر و فقر تکیه می‌کند و آن را مورد توجه قرار می‌دهد. در رهیافت محیط زیست‌گرا حق انسان بر محیط زیست سالم بر تفسیر موسع از محیط زیست استوار می‌باشد و براساس آن افراد ذاتاً از حقوقی برخوردارند که آنها را قادر می‌سازد منافع زیست محیطی شان را اعلام کنند، ولی برای اینکه این منافع از حیث حقوقی شناخته و پذیرفته شود لازم نیست نشان دهیم که این منافع خیر و رفاه فرد خاص یا گروهی از انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این دیدگاه حقوق زیست محیطی هدفی بیش از فراهم کردن ضمانت‌های خاص برای برخی افراد دنبال می‌کند و بیشتر در صدد است که به اهداف زیست محیطی که توافق اجتماعی در مورد آن وجود دارد دست پیدا کند. در این رویکرد حمایت از حقوق بشر در چارچوب حمایت از علائق و نیازهای مشترک جامعه بشری همچون آب و هوا، حفظ گونه‌های گیاهی و جانوری، گرمایش زمین تحقق می‌پذیرد. تحولات اخیر در زمینه محیط زیست به سمت پذیرش بعضی از مصادیق حقوق بشری در فضای زیست محیطی گرایش دارد و این تحولات بیشتر به حقوق رویه‌ای توجه دارند: از جمله حق افراد برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی و یا جبران خسارات ناشی از تخریب محیط زیست. هرچند که بین رهیافت "انسان محور" و رهیافت

"محیط زیست گرا" تفاوت‌هایی وجود دارد لکن هم‌پوشی قابل ملاحظه‌ای هم بین این دو مشاهده می‌گردد، مثلاً آلودگی شدید هم برای سلامت بشر و هم موجودیت محیط زیست می‌تواند تهدید مستقیمی محسوب شود. همان‌طوری که ویرا مانتری، قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه Gabcikovo-Nagymaros اظهار نمود "حمایت از محیط زیست بخش بسیار مهمی از دکرترین معاصر حقوق بشر است زیرا چنین حمایتی شرط لازم و اساسی تحقق بسیاری از حقوق دیگر مثل حق بهداشت و خود حق حیات است. (CIJ 1996,p.23)، پی‌آمدهای آن فوراً دامن‌گیر خیر و سلامت بشری نشده است. گزارش سال دو هزار توسعه انسانی تصویر متفاوتی از رابطه حقوق بشر و حق به محیط زیست ارائه می‌کند. در این گزارش رابطه بین حقوق بشر و حقوق محیط زیست و توسعه یک رابطه درونی و دینامیک توصیف شده است. در چارچوب این گزارش تخریب محیط زیست، تجاوز به حقوق انسانی تلقی شده، فقر و توسعه‌نیافتگی محیط زیست را تحت فشار قرار داده و نقض حقوق بشر را هم به دنبال آورده است. (Human Development report, 2000) پاتریک د فونت برسن در مقاله‌ای با عنوان "از مؤثر بودن حقوق به محیط زیست سالم تا مؤثر بودن حق به مسکن مناسب" حق به محیط زیست سالم را بخشی از حق حیات معرفی می‌کند. (Berssin, 2005, p.22) در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۰ وابستگی متقابل حقوق بشر و محیط زیست مورد توجه قرار گرفته. حق به محیط زیست ناشی از کیفیت زندگی تلقی شده و قابل مقایسه با وضعیت حقوق اجتماعی و اقتصادی قلمداد شده است. ویژه‌گی حیاتی حق به محیط زیست شرط بنیادین زندگی تلقی و برای ارتقاء کرامت و سعادت انسان و تحقق سایر بخش‌های حقوق بشر اجتناب‌ناپذیر دانسته شده است. (Human development Report 2000, p.5) ولفگنگ ساش در پژوهشی که تحت عنوان "محیط زیست و حقوق بشر برای انجمن و انرژی و برای آب و هوا" درباره محیط زیست و انرژی در سال ۲۰۰۳ انجام داده است، حقوق بشر را به حقوق جوهری و غیر جوهری تقسیم‌بندی می‌کند. نخست فهرستی از مصادیق حقوق بشر همچون قابلیت به دست آوردن تغذیه مناسب، پیشگیری از بیماری و مرگ زودرس، مسکن مناسب، تأمین معاش، تأمین امنیت فیزیکی، دسترس برابر به عدالت، حضور در اجتماع بدون ترس از تحقیر و مشارکت در زندگی جمعی ارائه می‌دهد و سپس چهار مورد اول را در زمره حقوق جوهری (Subsistence Right) قرار می‌دهد. ساش این حقوق را هسته اصلی میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌داند. (Sachs, 2003, p.9) و ساش اضافه می‌کند که برای درک بهتر حقوق بشر محیط زیستی می‌باید این واقعیت را بپذیریم که حقوق جوهری با حق استفاده صحیح از منابع طبیعی عجین شده است (Ibid). در حقوق اتحادیه اروپا، اعلامیه دوبلین ناظر به الزامات زیست‌محیطی است که در ۷ ژوئیه ۱۹۹۰ تصویب شد، تضمین محیط زیست

پاک و سالم برای شهروندان اروپا را مورد تأیید قرار می‌دهد. (Merini, 2006, p. 56) و دادگاه اروپایی حقوق بشر هم به طور غیر مستقیم و با استناد به ماده ۸ کنوانسیون حق فردی شهروندان اروپایی به محیط زیست سالم را مورد تأیید قرار داده است (Ibid). اختلاف نظر علمای حقوق در خصوص رابطه حق به محیط زیست و حقوق بشر بیانگر این واقعیت است که نگاه سنتی به تقسیم‌بندی و دسته‌بندی حقوق بشر به نسل‌های مختلف بر پایه تحلیل تاریخی ظهور و شناسایی مصادیق مختلف حقوق بشر از اعتبار و استحکام لازم برخوردار نمی‌باشد، از این رو برای ارزیابی برداشت‌ها و قرائت‌های متفاوت از حق به محیط زیست سالم، مراجعه به اسناد بین‌المللی و بررسی رویه قضایی می‌تواند در فهم موقعیت حق به محیط زیست سالم مفید واقع شود.

۲. اسناد بین‌المللی ناظر به حق به محیط زیست سالم

اعلامیه استکهلم نخستین سند بین‌المللی است که خیلی صریح رابطه بین حق فردی انسان و کیفیت محیط زیست را مورد شناسایی قرار می‌دهد. اصل اول اعلامیه مذکور مقرر می‌دارد "انسان از حق بنیادین آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که کیفیت آن امکان زندگی با کرامت و سعادت‌مند را برای انسان فراهم کرده باشد برخوردار بوده و مسئولیت جدی در حمایت و حفظ محیط زیست برای نسل فعلی و آتی را به عهده دارد (Stockholm Declaration, part II principle 1). اعلامیه استکهلم، به اعلام حقوق بنیادین بشر به محیط زیست سالم نمی‌پردازد ولی متذکر می‌گردد که مبنا و پایه محیط زیست سالم برای بهره‌مندی و اعمال حقوق بشر ضروری می‌باشد (Shelton, loc. Cit. n. 10 p. 106). اجلاس بین‌المللی برای حفظ طبیعت در سال ۱۹۸۰ در گسترش مفهوم توسعه پایدار گامی به جلو بر می‌دارد. (Birnie W. Patricia p. 28-40) منشور جهانی طبیعت حقوق و تکالیف ناشی از ضرورت حمایت از محیط زیست را مطرح کرد. (A/Res, NO. 37/7, 1982, principle 110) کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WCED) در گزارش مشهور خود تحت عنوان "آینده مشترک ما" به حقوق بشر در قالب توسعه پایدار توجه نموده است. (The World Commission on Environment and Development, 1987) در این گزارش توسعه پایدار به عنوان تأمین نیازهای نسل امروز بدون پایمال کردن حقوق نسل‌های بعدی معرفی شده است (Ibid). بنا به نظر گروه کارشناسان محیط زیست، کمیسیون توسعه و محیط زیست فهرستی از اصول حقوقی از جمله حق به محیط زیست به مثابه حق بنیادین بشر را مورد شناسایی قرار داده است. در ماده یک گزارش گروه کارشناسان در مورد حق بنیادین بشر آمده است: "هر انسانی حق بنیادین به محیط زیست مناسب برای سلامتی و

سعادت خود را دارد." در سال ۱۹۸۹ حق به زندگی با کرامت در یک محیط زیست قابل دوام به طور صریحی در اعلامیه لاهه آمد. ((Hague Declaration on the Environment, 1308, (1989)) در سال ۱۹۹۹، اعلامیه پیشک با صراحت اعلام می‌دارد "هر کسی به صورت فردی یا دسته جمعی حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم و متوازن (به لحاظ اکولوژیکی) را دارد

(Bizkaia, UN Doc.30c/INF 11.24, 09.1999)

اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی فرهنگی و اجتماعی به صورت تلویحی و ضمنی حق به محیط زیست سالم را مورد تأیید قرار می‌دهند در حقیقت در چارچوب این اسناد برخی از حقوق بشر موجود مانند حق به زندگی مورد توجه قرار گرفته است و دعاوی زیادی بر مبنای حق به حیات در خصوص محیط زیست در سطح ملی و بین‌المللی مطرح شده است. مواد مختلفی در میثاق حقوق مدنی و سیاسی همچون ماده ۲۷ و ماده ۶..... مورد استناد قرار گرفته است که در بخش بعدی به بررسی این دعاوی خواهیم پرداخت. (Ksentini, 1992, p.28)

در سطح منطقه‌ای منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، اولین سند مصوب بین‌المللی است که در آن صراحتاً در ماده ۲۴ خود حق به محیط زیست سالم را مورد تأکید قرار داده است. ((African Charter of Human and Peoples' Rights, 21 I.L.M 59, (1981))

در سیستم ملل آمریکایی (Inter-American system) حقوق بشر، پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق بشر (Protocol San Salvador) حق به محیط زیست سالم را مورد توجه قرار داده است. (American convention on Human Rights adopted in 1988 entry into force in November 1999) پروتکل سان سالوادور که ظهور حقوق بشر و آزادی‌های جدیدی چون حق به کار، حق به سلامتی، حق به غذا را مورد تأیید قرار داد. حق به محیط زیست سالم را به عنوان جنبه ویژه‌ای از حق به زندگی در ماده ۱۱ معرفی نموده است. (I.L.M. Vol. 28, 1989, p.698.)

در سطح اروپا، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، هیچ اشاره‌ای به محیط زیست ندارد. با این حال دادگاه حقوق بشر اروپایی با تفسیر موسع ماده ۸ و بعضاً ماده ۶ کنوانسیون (حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی هر کس، منزل،....) حق به محیط زیست سالم را مورد تأیید قرار داده است. (Giorgetta Sueli, 1993, p.388). گزارشگر ویژه حقوق بشر و محیط زیست که در قالب "کمیسیون فرعی تبعیض و حمایت از اقلیت" گزارش خود را در ۱۹۹۳، ارائه نمود، حقوق محیط زیست را به عنوان جنبه‌ای از حقوق بشر معرفی کرد

(Ksentini Report, second progress report E/CN.4/sub.Z/1993/7 p.392).

در اعلامیه ریو اشاره صریحی به حق به محیط زیست سالم نشده است ولی تعدادی از صاحب‌نظران با تفسیر توسعه پایدار، حق به محیط زیست سالم را از اعلامیه ریو استخراج

می‌کنند. (Giorgetta Sueli, p.392) در کنفرانس جهانی توسعه اجتماعی، وابستگی متقابل بین توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حمایت از محیط زیست مورد تأکید قرار گرفت. (United Nations, UN Doc.A/CONF.166/9.) به همان ترتیب کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل اصل اول اعلامیه ریو را مبنی بر اینکه "تقویت دنیایی با محیط زیست سالم به حمایت از حقوق بشر کمک کرده را مورد تأیید قرار داد و همچنین کمیسیون حقوق بشر خسارات زیست محیطی را دارای آثار منفی بر بهره‌مندی از زندگی، سلامتی و استانداردهای رضایت‌بخش زندگی، ارزیابی نمود. (UN Doc.E/CN.4/RES/1995/14, 24 February 1995) گروه کارشناسی. در معرفی اصول حقوق بین‌الملل ناظر به توسعه پایدار مقرر می‌دارد "حق به محیط زیست سالم تأکیدی است بر هم‌گرایی محیط زیست و توسعه می‌باشد." توسعه وقتی پایدار است که تحقق و پیشرفت آن حق به محیط زیست را تقویت کند. (Report of Export Group Meeting of Identification of Principles of International Law for Sustainable Development Geneva, Switzerland, 26-28 September 1995, paragraphs 31.) و حق توسعه را مرتبط با هم معرفی می‌کند. (Vienna Declaration, n.7, 1993, part 1, para.11) در سال ۱۹۹۶ کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا (UNECE) تفسیر خود از رابطه حقوق بشر و محیط زیست را ارائه نمود. در این تفسیر حق به محیط زیست به عنوان یک روش و روند و نه به خودی خود یک هدف معرفی شده است. در اینجا حق به محیط زیست وسیله‌ای برای بهره‌مندی انسان از حق بنیادین زندگی قلمداد شده است. (UN Doc.E/CN.4/1997/18.) این جهت‌گیری در کنوانسیون Aarhus در سال ۲۰۰۱ مورد تأیید قرار گرفت. (The Aarhus convention 1998) این کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و محیط زیست را با همدیگر مرتبط می‌داند. (The Aarhus Convention, Unece, 2000, and Press Release ECE/ENV/01/15.) و کنوانسیون یک بیان روشنی در حقوق بین‌الملل در شناسایی حق بنیادین به محیط زیست می‌باشد. در ماده یک کنوانسیون که حق به محیط زیست سالم به عنوان یک حق عینی و پذیرفته شده معرفی می‌شود. در این ماده آمده است که: به منظور مشارکت در حمایت از حق هر انسانی در حال حاضر و در نسل‌های آینده برای زندگی در یک محیط مناسب برای سلامتی و سعادت او، هر یک از دولت‌های هر عضو دسترسی به اطلاعات، مشارکت عمومی در تصمیم‌سازی‌ها و دسترسی به عدالت در مسائل زیستی مطابق مقررات این کنوانسیون را فراهم آورد. (Arhus Covention, art.1, n.113) کنوانسیون در ماده یک خود حق به محیط زیست را مورد شناسایی قرار می‌دهد.

۳. بررسی رویه‌های بین‌المللی

در بررسی رویه‌های بین‌المللی ابتداء موضوع محیط زیست به عنوان بخشی از حقوق بشر توسط سازمان ملل مورد توجه قرار می‌گیرد و سپس رویه نهادهای بین‌المللی غیر وابسته به سازمان ملل مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

الف. سازمان ملل

مباحث مربوط به محیط زیست در کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی مبارزه با تبعیض و حقوق اقلیت‌ها بررسی شده است. کمیسیون فرعی تحت عناوین مختلفی چون حقوق مردم بومی، حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرعی و فرهنگی، توسعه‌های علمی و تکنولوژیکی موارد مربوط به نقض حقوق بشر را مورد توجه قرار می‌دهد. به طور مثال کمیسیون فرعی در گزارش سال ۱۹۹۶ خود در بررسی وضعیت حقوق بشر در کامبوج حق به محیط زیست سالم و توسعه پایدار را مدنظر قرار داد و تأکید نمود که تجارت بی‌رویه در کامبوج ممکن است خسارات مهمی به مردم کامبوج که از نظر روش تغذیه، ویژگی‌های فرهنگی و روش زندگی خود که به محیط زیست وابسته‌اند، وارد کند.

در سال ۱۹۸۹ کمیسیون فرعی، روندی را در زمینه مشکل محیط زیست و رابطه آن با حقوق بشر آغاز کرد. مطالعات مربوطه توسط Fatma Zohra Ksentini در سال ۱۹۹۴ تکمیل شد. اما نه کمیسیون و نه کمیسیون فرعی هیچ‌یک پیشنهادی او را اعمال نکردند و اینکه طرح اعلامیه اصول حقوق بشر و محیط زیست را که ضمیمه گزارش بود، مورد بحث قرار ندادند. با وجود اینکه کمیسیون حقوق بشر از سال ۱۹۹۵ موضوع علم و محیط زیست را به طور سالیانه در دستور کار خود قرار داده بود اما هیچ‌گاه نتیجه ملموسی در رابطه با محیط زیست ارائه نگردید. کمیسیون حقوق بشر گزارشگر ویژه‌ای از سال ۱۹۹۵ دربارهٔ زباله‌های سمی و محیط زیست معین نموده است. معاهدات حقوق بشری متعددی تحت نظارت سازمان ملل تنظیم شده است، چگونگی نظارت اجرای هر یک از این معاهدات توسط کمیته‌ای از کارشناسان مستقل که معمولاً توسط خود معاهده پیش بین شده انجام می‌گیرد. این کمیته‌ها در مجموع عنوان ارکان معاهده‌ای شناخته می‌شوند. (UN Doc.E/CN.4/1992,p.28.)

در سال ۱۹۹۲ بولیوی در گزارشی به کمیته حقوق کودک تأثیر و توجه کافی به امور اقتصادی، مسکن، محیط زیست و آموزش در بهبود و ارتقای وضعیت زنان و کودکان را مطرح نمود. کمیته‌ها به طور کلی فقط می‌توانند وضعیت‌های را که در گزارش یک کشور لحاظ شده است مورد رسیدگی قرار دهند. حق به محیط زیست پاک به صورت مستقل توسط معاهدات مورد شناسایی قرار نگرفته است. اما ارکان معاهده‌ای می‌توانند مسائل مربوط به محیط زیست

را در ارتباط با سایر حقوق همچون حق حیات یا حق به سلامتی مورد توجه و بررسی قرار دهند.

در رابطه با مباحث حق به محیط زیست به عنوان بخشی از حقوق بشر گزارش‌ها و شکایات افراد حائز اهمیت می‌باشد. چرا که مخاطبین این شکایات دولت‌ها می‌باشند و اشخاص در قالب حق فردی خود به محیط زیست سالم، موضوع را مورد پیگیری قرار می‌دهند.

۱. رسیدگی به شکایات افراد در ارکان معاهده‌ای

سه نهاد معاهده‌ای سازمان ملل شامل کمیته حقوق بشر، کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض نژادی و کنوانسیون منع شکنجه، رسیدگی به شکایات فردی را مورد توجه قرار می‌دهند. کنوانسیون محو همه اشکال تبعیض در خصوص صدمات وارده به گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی به خاطر تخریب محیط زیست، در شکایات افراد بیش از سایر اسناد بین‌المللی مورد استناد قرار گرفته است. مواردی که در کمیته فرعی، مرتبط با محیط زیست مطرح گردیده، عمدتاً به دو طیف کلی قابل تقسیم می‌باشند.

الف: مواردی که به سلاح‌های هسته‌ای و مواد رادیو اکتیو مرتبط می‌باشند

ب: مواردی که به حقوق گروه‌های بومی یا اقلیت‌ها مرتبط می‌باشند

در دعوی H.P.V.Canada شکایتی از طرف نسل حاضر و نسل آینده به کمیته حقوق بشر تسلیم گردید، بنا به دادخواست تنظیمی، انبار کردن زباله‌های رادیو اکتیو نزدیک اقامتگاه شاکیان تهدیدی برای حق حیات شاکیان و نسل‌های آتی می‌باشد. کمیته اشاره شاکیان به حق حیات نسل‌های آینده را که در دادخواست مطرح شده دلیلی بر اهمیت موضوع قلمداد نمود. اگر چه دادخواست مزبور به جهت عدم مراجعه شاکیان به مراجع صلاحیت‌دار داخلی رد گردید اما کمیته تأیید نمود که دادخواست شاکیان در برگرفته ملاحظات محیط زیستی و از جمله مباحث جدی ناظر به حق حیات می‌باشد. در سال ۱۹۹۰ شکایتی مبنی بر استقرار موشک‌های کروز در قلمرو هلند توسط ۶۵۸۸ نفر از شهروندان هلند به عنوان تهدید حق حیات آنها مطرح گردید. کمیته با این استدلال که هر یک از شاکیان به تنهایی یک قربانی محسوب می‌گردد، تقدیم یک دادخواست از جانب هزاران نفر را از نظر شکلی قابل ایراد دانست، و شکایت را از آن جهت غیر قابل استماع اعلام نمود که استقرار این موشک‌ها عملاً حق حیات شاکیان را نقض نکرده است.

در سال ۱۹۹۵ شکایتی در مورد آزمایشات هسته‌ای در اقیانوس آرام توسط Vai here Jahn Tembarru علیه فرانسه به کمیته تسلیم گردید، شاکیان ادعا کردند که آزمایشات هسته‌ای

فرانسه در سال ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ تهدیدی برای حق حیات و حق زندگی (مواد ۶ و ۱۷ میثاق حقوق مدنی سیاسی) محسوب می‌گردد. کمیته دعوای شاکیان را غیر قابل استماع اعلام نمود چرا که شاکیان بنا به معیارهای حقوقی کمیته قربانی تلقی نشدند. با این وجود کمیته حقوق بشر آزمایشات هسته‌ای را در اظهارنظرهای کلی (general comment) در سال ۱۹۸۴ به عنوان تهدیدی علیه حق حیات افراد مورد انتقاد قرار داده بود. کمیته در تعدادی از قضایای مطروحه در مقابل خود با استناد به ماده ۲۷ میثاق مدنی، سیاسی از یک نظر تفسیری که در سال ۱۹۹۴ ارائه داده بود، حمایت نموده است. طبق این نظر تفسیری، مظاهر فرهنگی در بعضی از اشکال خود شامل شیوه خاصی از زندگی است که با استفاده از منابع طبیعی امکان بروز پیدا می‌کند. در مورد گروه‌های بومی، این امر ممکن است شامل فعالیت‌های سنتی مانند ماهیگیری و شکار بشود.

در قضیه (Bernurd ominage and the lubicon lake Bnd Canada) شاکیان فروش نفت و گاز موجود در زمین‌هایشان را موجب محرومیت از به کارگیری روش‌های زیستی مناسب و اعمال حق حاکمیت بر سرنوشت‌شان می‌دانستند.

دعوی (O.S.etalu.Finland) نیز بر پایه حمایت از حقوق اقلیت‌ها در میثاق حقوق مدنی و سیاسی توسط چهار نفر از شهروندان فنلاند از نژادی سامی مطرح گردید، شاکیان، پرورش‌دهندگان گوزن شمالی بودند که به نظر آنها احداث یک جاده اثر منفی بر جمعیت گوزن‌های شمالی آن منطقه می‌گذارد. بنابراین حق آنها برای بهره‌مندی از حقوق فرهنگی‌شان نقض شده است. کمیته شکایت را قابل قبول و اقدامات تأمینی حمایتی را لازم دانست. با این وجود در رسیدگی ماهوی کمیته نقض میثاق را محرز ندانست.

ب. رویه کشورهای

در بررسی رویه کشورها: (۱)، عملکرد کشورهای اروپایی (۲)، کشورهای آمریکای شمالی و آمریکای لاتین (۳)، کشورهای آسیایی و آفریقایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. کشورهای اروپایی

دادگاه حقوق بشر اروپایی با استناد به مواد مختلفی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حق به محیط زیست سالم به عنوان مصداقی از حق حیات، را مورد توجه قرار داده است. (Marina J.Acevedo,2000,p.431.) دادگاه اروپایی حقوق بشر حق حمایت خانه و یا زندگی خانوادگی شخص در برابر آلودگی شدید را طبق ماده ۸ کنوانسیون اروپایی در قضیه (Ostra Lopez,V Spain 1994 Zo Ehrh 277) و حق اطلاع یافتن از سوانح زیست محیطی را باز هم

طبق ماده ۸ در قضیه Guerra (Guerra V Italy 1988 / ehh 357) به رسمیت شناخته است. میزان برخورداری از حق حمایت در برابر خطرات زیست محیطی بر اساس ماده ۲ و حق حیات، البته با صراحت کمتر مورد بحث و پذیرش قرار گرفته است، برای مثال در قضیه (M&R. 130, Ehrr, cd. 1996, 2, L.M&R.V. Suisse) با استناد به بند یک ماده ۶ کنوانسیون حقوق بشر، دادگاه حقوق بشر اروپایی اعلام نمود که فشارهای مستقیم یا غیر مستقیم بر محیط زیست به شرط اینکه در محدوده حقوق و تکالیف مدنی قرار گیرد، تحت پوشش کنوانسیون قرار می‌گیرد. اعمال ماده شش کنوانسیون حقوق بشر نسبت به حقوق طرف ثالث در مسائل مربوط به برنامه‌ریزی‌های زیست محیطی در قضیه Ortenberg علیه اتریش پذیرفته شده است. 19, 1994 (EHRR 524)

ماده یک پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق بشر اروپایی ناظر بر حق حمایت از اموال و ماده ۱۴ کنوانسیون ناظر بر عدم اعمال تبعیض در برخورداری از حقوق مندرج در کنوانسیون نیز مورد استناد دادگاه حقوق بشری اروپایی قرار گرفته است. (Cook Kate, Chambrs Matrix) P.19) شاید برجسته‌ترین قضیه زیست محیطی در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر قضیه لوپز اوسترا باشد که مربوط به عملیات کارخانه باز یافت زباله‌های ناشی از صنعت مازوکاری است. خانه خانم لوپز اوسترا فقط ۱۲ متر از محل استقرار این کارخانه فاصله داشت، کارخانه مذکور به دلیل خرابی، گاز سمی تولید می‌کرد که مشکلات بهداشتی و سلامتی و نیز مزاحمت برای بسیاری از ساکنان آن محل ایجاد کرده بود، علاوه بر اینکه مجوز هم نداشت، شورای شهر برای چندین ماه ساکنین آن محل را به مکان دیگری اسکان داده بود، لکن خانم لوپز اوسترا و خانواده‌اش نهایتاً به خانه خود مراجعت کرده بودند. به‌رغم اینکه فعالیت کارخانه مذکور محدودتر شده بود برخی از اثرات نامطلوب آن هنوز هم در محدوده مجاور تأثیر منفی و مخربی بر جای می‌گذاشت. خانم لوپز شکایت کرد تا فعالیت آن کارخانه متوقف شود. دادگاه تشخیص داد که فعالیت آن کارخانه اگرچه مزاحمت‌ها و مشکلاتی ایجاد می‌کند، لکن خطر جدی برای سلامت افراد ساکن در مجاورت کارخانه ایجاد نکرده و حقوق بنیادین آنها را نقض ننموده است و بنابراین شکایت خواهان رد شد. رأی تجدیدنظر هم به نفع آن کارخانه صادر شد. بعد از آن خانم لوپز به کمیسیون اروپایی حقوق بشر شکایت برد مبنی بر اینکه انفعال مقامات محلی باعث نقض حقوق او طبق ماده هشت بند یک کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۳ (رفتار غیر انسانی و موهن) شده است کمیسیون شکایت اول را تأیید و مورد دوم را رد کرد. (Ostra Lopez V Spain, 1994 Zo EHRR 277) در خصوص شکایت مربوط به نقض ماده ۸ کنوانسیون دیوان اظهار می‌دارد: "طبیعتاً آلودگی شدید زیست محیطی بر سلامت افراد تأثیر می‌گذارد و مانع از آن می‌شود که افراد از خانه خود استفاده کنند، به عبارت دیگر زندگی خصوصی و خانوادگی آنها را به نحو مطلوبی تحت تأثیر قرار می‌دهد، اگرچه ممکن

است سلامتی آنها را به طور جدی به مخاطره بیندازد. دیوان اضافه می‌کند که "باید بین منافع فرد و منافع جامعه به عنوان یک کل توازن برقرار شود و به هر حال دولت از یک حاشیه ارزیابی هم برخوردار است."

بسیاری از مشکلات و مسائل زندگی‌های خصوصی اروپایی مربوط به آلودگی صوتی است. در انگلیس یک نفر از صدای فرودگاه گتویک و آزاد راه نزدیک آن شکایت کرد. ادعا منطقی تشخیص داده شد و در پایان خوانده به پرداخت ۷۵۰۰ پوند محکوم شد. در پرونده پاول و رینور دعوی بی‌نتیجه مختومه شد. دادگاه پذیرفت که صدای فرودگاه هیترو، نقض ماده ۸ محسوب می‌شود. ولی چنین توجیه شد که به نفع منافع اقتصادی جامعه دموکراتیک فعالیت‌های این فرودگاه ضروری است و این صدا مزاحمت سنگینی برای شاکی ایجاد نکرده است و او می‌توانست بدون اینکه متحمل ضرر و زیان خاصی شود محل سکونت خود را تغییر دهد.

در قضیه آناماریا گیرا و ۳۹ مورد دیگر علیه ایتالیا، شاکیان از آلودگی ناشی از فعالیت شرکت مواد شیمیایی کشاورزی شکایت داشتند. شاکیان با استناد به ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اظهار نمودند که دولت ایتالیا در انجام وظیفه اطلاع‌رسانی خود خطرات فعالیت کارخانه مواد شیمیایی Enichem و ترتیباتی که می‌بایستی برای مقابله با خطرات احتمالی اتخاذ گردد، قصور ورزیده است. (Case 14967/89 Guerra and others V. Italy, 1998, 1-E CHR, judgment of 19 February 1998) سؤال اصلی که در این قضیه در پیشگاه کمیسیون اروپا مطرح گردید این بود که آیا دولت ایتالیا تکلیف مثبت (positive) در مطلع کردن شهروندان در خصوص خطرات این کارخانه به عهده داشت یا خیر؟ اعضاء کمیسیون با اکثریت قابل ملاحظه‌ای به این سؤال پاسخ مثبت دادند و پرونده را به دیوان اروپایی حقوق بشر ارجاع دادند. دیوان اروپایی در رأی مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۹۸ تفسیر موسع کمیسیون از ماده ۱۰ را موجه ندانست ولی در مقابل نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر را در مورد حق به خانواده، حق به منزل و زندگی خصوصی را احراز نمود، دیوان اظهار نمود که ماده ۱۰ دولت‌ها را از ایجاد موانع برای دسترسی شهروندان به اطلاعات را برحذر می‌دارد. (پاراگراف ۵۳) نهایتاً دیوان اظهار نظر کرد که شاکیان نتوانسته‌اند ورود خسارت مادی را ثابت کنند ولی در خصوص خسارات معنوی، دیوان شاکیان را محق به دریافت ده میلیون لیر ایتالیا دانست. (پاراگراف ۶۰)

دعای متعددی در سال‌های اخیر در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شده است که ناظر به حمایت از طبیعت و محیط زیست در قالب حقوق بشر می‌باشد اکثر این دعاوی علیه دولت فرانسه مطرح شده است. چرا که دولت فرانسه به موجب قانونی شکار در املاک کوچک

انجمن‌های شکار محلی را آزاد نموده است و صاحبان این املاک در ادعانه‌های خود اعلام کرده‌اند که دولت فرانسه حق آنها را در بهره‌مندی صلح‌آمیز از مایملک خود و همچنین حق آزادی انجمن‌ها و آزادی وجدان را نقض کرده است این شاکیان به ماده یک پروتکل اول و ماده ۹ و ۱۱ و ماده ۱۴ کنوانسیون استناد نموده‌اند. کمیسیون اروپا در گزارشی که در قضیه Marie Jeanne و دیگران در ۱۹۹۷ صادر نمود (Chassagnou Marie Jean, Rene Petit and Simone Largrezas V. France) نقض کلیه حقوق ادعایی به جزء نقض آزادی وجدان را مورد تأیید قرار داد. در قضیه دیگر از این سری که با عنوان (Leon Montion Dumont, Josephine) و دیگران به کمیسیون معرفی شده بودند به دیوان حقوق بشر اروپا ارجاع داده شد. دیوان در رأی ۲۹ آوریل ۱۹۹۹ نظر کمیسیون اروپا در خصوص نقض حق اجتماعات و بهره‌مندی در صلح و آرامش از مالکیت و منع تبعیض را تأیید نمود.

(Chassagnou and others, France, ECHR. Judgment of 29 April 1999) در قضیه Mateos (and Sigva) و دیگران علیه دولت پرتغال دیوان نظر داد که حق شاکیان به این دلیل که شکایت آنها در دادگاه‌های محلی بعد از ۱۳ سال به نتیجه نرسیده است، نقض شده است. (Mateosy Silva Ltd. and others V. Portugal, 1996 IV ECHR, Judgment of 16 September 1996) دیوان از طرف دیگر ایجاد محدودیت در حقوق مالکیت با هدف حمایت از محیط زیست را مشروع تلقی نمود ولی در این قضیه ضرورت امر را مورد تأیید قرار نداد. در مقابل در قضیه (Pine valley development) و دیگران دیوان حقوق بشر اروپا از مداخله دولت در حق مالکیت شهروندان با انگیزه حمایت از محیط زیست را مورد تأیید قرار داد. (Pine valley development V. Ireland, ECHR Seri A.no 222, 1991) در قضیه Bladet Tromso and Stensaaa علیه نروژ دیوان حقوق بشر اروپا اعلام نمود که دولت نباید برای محدود کردن حق اطلاع رسانی به عموم مردم فعالیتی انجام دهد و قانونی وضع کند. شعبه اول دیوان حقوق بشر اروپایی در این قضیه اظهار نمود که نروژ حق یک روزنامه و سردبیر آن را نقض کرده است. چرا با وادار کردن آن روزنامه به انتشار ناقض گزارش در خصوص بازرسی شکار فک عملاً موجب بدنامی روزنامه و سردبیر آن شده است. (Bladet Tromso and Stensaa v. Norway, Judgment of 20 May 1999) یوان اعلام نمود که آن گزارش باید وسیع‌تر و با جزئیات بیشتری چاپ می‌شد. چرا که مردم به دانستن آن علاقه نشان می‌دادند. در مجموع دیوان موضوع را با ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مرتبط دانست. در قضیه زاندروا علیه دولت سوئد دعوایی بر پایه ماده ۶ علیه دولت سوئد مطرح شد، چرا که حق شاکیان به جبران خسارت ناشی از آسیب وارده به محیط زیست مورد انکار قرار گرفته بود. (همان، پاراگراف ۴۵ و ۴۶) حق به جبران خسارت قابل تعمیم به خسارات ناشی از آلودگی است.

در قضیه Zimm erman and Steiner علیه سویس دیوان اعلام کرد که ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قابل استناد در دعاوی جبران خسارات ناشی از آلودگی صوتی محدوده فرودگاه می باشد. (Zimmerman and Steiner V. Switzerland, Echr, Seri A.1982,SA, no 66)

در یک مورد دیگر، دیوان حقوق بشر اروپا عنوان کرد که دولت نباید برای محدود کردن حق اطلاع رسانی به عموم مردم فعالیتی انجام داده و قانونی وضع کند. در مورد مشکل Baldet بخش امور خاص دادگاه اذعان داشت که پروژ حقوق رسانه‌ای شاکیان را از آنان سلب کرده. (Baldet Tromso and Stensaas v.Norway,Judgment of 20 May 1999.)

۲. حقوق بشر و محیط زیست در آمریکای لاتین

مواردی که در ذیل توصیف می شود، به دامنه وسیعی از موضوعات محیط زیست در آرژانتین، شیلی، کلمبیا، کاستاریکا، اکوادور و پرو بر می گردد و شامل حقوق مردم بومی برای حفاظت جنگل های شان، درخواست روستاییان برای حراست از محیط زیست آنها از تأثیرات آلودگی صنعتی هوا، حفاظت از گونه های درختان بومی و نمادین و حق حفاظت از پارک ملی می شود، که حائز اهمیت است، اما به آن توجه نمی شود. از بررسی رویه قضائی سه درس مهم قابل دریافت می باشد. نخست اینکه دادگاه های حق به محیط زیست سالم را در سلسله مراتب حقوق بشر به عنوان یک حق اساسی و زیر بنایی مورد شناسائی قرار می دهند. دوم، دادگاه ها محتوا و ماهیت حق برای یک محیط زیست سالم را از طریق تصمیمات اختصاصی خود را توسعه می دهند. سوم، نشان می دهند که چه روش هایی برای حفاظت از این حقوق مؤثر هستند.

دادگاه ها در آمریکای لاتین عنوان کرده اند که حق به یک محیط زیست سالم، یک حق انسانی بنیادی و اساسی است. این تصمیمات حائز اهمیت و ارزش است که موارد گلچین و منتخب را مرور کنیم. (Razzaque J.no 94)

دادگاه های آرژانتین وجود حق زندگی در یک محیط زیست سالم را تصدیق و تأیید کرده است. یک دادگاه اداری بیان کرد که "حق هر شهروند برای حفظ محل سکونت خود به عنوان یک حق فردی و شخصی است تا اقدامی را برای محافظت محیطی آغاز کند. (مورد Alberto Kattar و دیگران در مقابل دولت ملی) (Ibid) در یک مورد در سال ۱۹۹۳ که درباره آسیب زیست محیطی به شیلات و حیات وحش در یک تالاب بود، دادگاه اظهار نظر کرد: "حق زندگی در محیطی سالم و متعادل یک ویژگی اساسی افراد است. هرگونه تهاجم و تجاوز به محیط زیست، تهدیدی برای خود زندگی می شود و برای تمامیت و کمال معنوی و فیزیکی شخص که بر اساس تعادل اکولوژیکی استوار است، می باشد. بعد از تغییر اساسنامه، این حق اغلب

توسط قوه قضایی شناسایی شده است و به صورت گسترده تفسیر شده است. در مورد قضیه Alberto Sagarday، (Ibid.1994,p.3) دادگاه حق دفاع از محیط زیست هر شخص را به عنوان "حق طبیعی انسانی" مورد توجه قرار داده است که به شهروندان اجازه می‌دهد که علیه نهادهای دولتی شکایت کنند.

در قانون اساسی کلمبیا در سال ۱۹۹۱ حق محیط زیست ثبت شده است، دادگاه‌های کلمبیا در سال ۱۹۹۱ عنوان کرده بودند: هرکس حق استفاده و بهره‌برداری و زندگی در محیطی سالم را دارد. این موضوع باید به عنوان یک حق اساسی زیربنایی و بنیادی مورد توجه قرار گیرد.

در مورد Antonio Mouricio Monrog Cespedes، (Ibid.p.4) در سال ۱۹۹۳ دادگاه مشاهده کرد که: در کنار حقوق اساسی مثل آزادی، برابری و شرایط لازم برای زندگی مردم، حق محیط زیست هم وجود دارد.

دادگاه قانون اساسی کلمبیا، در مورد Funde Publice عنوان کرد که در حفاظت محیط زیست یک مصالحه بین نسل فعلی و نسل آینده باید صورت بگیرد. (Ibid) در چند مورد، دادگاه‌های کلمبیا به عملکرد اجتماعی مالکیت به عنوان روشی برای تعادل آن در برابر منابع زیست محیطی توجه نموده‌اند به عنوان مثال: در تصمیم سال ۱۹۹۳، گفته شد که عملکرد اجتماعی مالکیت به وظایف خاصی اشاره می‌کند و این یعنی اینکه مالکیت "تا آنجائی که در خدمت منافع عموم قرار می‌گیرد، محترم می‌باشد." (Ibid.p.9)

سرانجام یک مثال جالب از نتایج تعریف حقوق مردم برای یک محیط زیست سالم در تصمیم سال ۱۹۹۴ دادگاه شهرستان در کلمبیا ظاهر می‌شود. شکوائیه‌ای از طرف ساکنین علیه وارد کردن ضایعات سمی دریا ثبت شد، بر اساس حق انسانی محیط زیست سالم دادگاه دستور داد که کشتی‌ای که یک کانتینر از ضایعات در بندر کلمبیا خالی کرده بود مجدداً باید ضایعات را بارگیری کرده و ظرف ۲۴ ساعت از کلمبیا حرکت کند. (Ibid)

دیوان عالی کشور کاستاریکا، حق محیط زیست سالم را در مورد تأیید قرار داده است. با نقل قول دادگاه شهرستان، دیوان عالی کشور عنوان کرد که زندگی: فقط وقتی ممکن است که در همبستگی با طبیعت باشد که ما را تغذیه و حمایت می‌کند نه فقط با توجه به غذا، بلکه با تندرستی و سلامت جسمانی، شامل حقی است که همه شهروندان برای زندگی در محیطی فارغ از آلودگی دارا هستند. این اساس در زندگی جامعه پربار و مشخص است. (Ibid)

در سال ۱۹۹۳، دادگاه اعلام کرد: اگرچه انسان حق استفاده از محیط زیست را برای پیشرفت و توسعه خود دارد، با این وجود وظیفه حفاظت از آن و نگهداری آن را نیز دارد تا نسل‌های آینده بتوانند از آن استفاده کنند.

در مورد... Concesiones Otorgadas (۱۹۹۹) قاضی زیست محیطی گواتمالا، یک ارتباط نزدیک بین حمایت از حقوق بشر و محیط زیست برقرار کرد. (Ibid)

در مورد Concesiones Otorgadas (۱۹۹۹) قاضی زیست محیطی گواتمالا، یک ارتباط نزدیک بین حمایت از حقوق بشر و محیط زیست برقرار کرد. (Ibid.p.5) دادگاه قانون اساسی توضیح داد که هدف اقدامات و ارزیابی‌های زیست محیطی برای تضمین حق بهداشت و محیط زیست و استاندارد زندگی می‌باشد که حیات نسل آینده را تضمین می‌کند.

در قضیه Irazza Margarita، (همان) دادگاه عنوان کرد که تغییر محیط زیست نه تنها بر کیفیت زندگی ما، بلکه بر کیفیت زندگی نوادگان ما هم تأثیر خواهد داشت و خسارت زیست محیطی، هرگز به وسیله پرداخت غرامت، جبران پذیر نخواهد بود. و خسارت به صورت بسیار وخیم بر نسل آینده تحمیل می‌شود.

دادگاه‌های آمریکای لاتین توجهات خاصی به حقوق بومیان مبذول داشته‌اند و تهدیدات علیه حیات فرهنگی بومیان را مرتبط با محیط زیست دانسته‌اند، به عنوان مثال: دو مورد Organization Indigena de، (Ibid.) دادگاه تصدیق کرده است که خرابی و انهدام جنگل، تمامیت و کمال قومی و فرهنگی مردم بومی را به خطر می‌اندازد.

در مورد (سال ۱۹۸۸ Comunidad de chanard) دیوان عالی کشور توضیح داد که: دعوی‌های فعلی، مخصوصاً مناسب و به جا هستند چون به حق زندگی در محیط زیست فارغ از آلودگی مربوط هستند. این مسائل نه تنها به سلامتی انسان بلکه به خود زندگی نیز تأثیر می‌گذارد. اگر محیط آلوده شود و طبیعت خراب شود نسل‌های آینده اجداد خودشان را مورد سرزنش قرار خواهند داد. تصمیم شیلی (سال ۱۹۹۰) ناظر بر یک گونه درختی Aracaria، نمونه جالبی از ارتباط بین محافظت از محیط زیست و حقوق فرهنگی فراهم آورد. دادگاه‌ها، ارزش خاص این درخت و میوه آن را برای مردم بومی Pehuenche در کشور شیلی از زیر گروه Mapuche مورد تأیید قرار داده‌اند و عنوان کرده‌اند که این مردم در تاریخ خود قدرت را از Pehuen، لغتی که برای Araucaria به کار می‌رفت، به دست آورده‌اند. (Ibid.p.8)

تصمیم قضایی که در بالا ذکر شد، محدودیت‌های آشکاری بر حق مالکیت و دارایی به خاطر حقوق زیست محیطی ایجاد می‌کند. دادگاه در یکی از تصمیمات خود عنوان کرد که مالکیت با وظایف ناشی از "عملکرد اجتماعی" به آن محدود می‌شود. دادگاه‌ها با دقت توضیح داده‌اند که یک عنصر این عملکرد، حفاظت از محیط زیست می‌باشد. (Ibid)

دادگاه‌های آمریکایی لاتین، هنگام رسیدگی به موضوعات محیط زیستی، علاوه بر تأیید ارتباط سنتی حقوق محیط زیست و حقوق بشر ابعاد جدیدی از مصادیق حق به محیط زیست سالم را مورد شناسایی قرار می‌دهند، و ابعاد جدیدی را برای ارتباط با این حق معرفی

می‌کنند. (Ibid.p.10) در تصمیم سال ۱۹۹۳ دادگاه عالی پرو (دیوان عالی کشور پرو با حمایت از تصمیم دادگاه پایین‌تر)، اعلام نمود که برای توسعه فعلی و آتی منطقه بسیار سودمندتر است تا گیاهان شاه پسند حفظ و کنترل شوند. نسبت به خطر تقلیل و کاهش آنها دادگاه دستور داد، همه فعالیت‌های مزارع میگو در نواحی گیاهان شاه پسند، به حالت تعلیق در آیند و به همین منظور وضعیت باید در منطقه به حالت طبیعی برگردانده شود. (Ibid)

سیستم بین آمریکایی کمیسیون حقوق بشر، رابطه‌ای بین کیفیت محیط زیست و حق به زندگی در قضیه بومیان یانومانی برزیل برقرار کرده است. در شکایت طرح شده علیه برزیل، ادعا شده بود که این دولت با احداث بزرگ راهی در سرزمین‌های یانومانی و مجوز بهره‌برداری از منابع در آنجا اعلامیه حقوق و تکالیف "مان" را نقض کرده است. این عمل باعث سرازیر شدن مردم غیربومی به این سرزمین شد، مردمی که حامل بیماری‌های مسری بودند، که به علت فقدان مراقبت‌های پزشکی، لاعلاج باقی ماندند. کمیسیون تشخیص داد که دولت حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی، ماده یک اعلامیه، و همچنین حق اقامت و جابه‌جایی (ماده ۸) و حق حفظ سلامتی و سعادت (ماده ۱۱) را نقض کرده است.

(Case 7615 (Brazil), INTER-AM.CH.R.,1984-1985 Annual Report 24.OEA/Ser. L/V/II.66,doc.10,rev.1(1985)).

به غیر از موارد ذکر شده کمیسیون بین آمریکایی حقوق بشر، در مطالعات اخیری که انجام داده توجه ویژه‌ای به حقوق زیست محیطی بومیان در اکوادور و برزیل مبذول داشته است. (Inter-Am.C.H.R.,Report doc.29,rev. 1(1997)/ (Inter-Am.C.H.R.,Report doc.10 (1997)).

۳. جنوب آسیا و آفریقا

در سمینار مشترک کارشناسان یونیب و کمیساریای عالی سازمان ملل در اجلاس حقوق بشر سال ۲۰۰۲ وضعیت حقوق بشر و محیط زیست در بخشی از آسیا و آفریقا مطرح گردید. این گزارش توسعه حقوق بشر و محیط زیست طی دهه ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ را در جنوب آسیا و آفریقا مورد بررسی قرار داد و قوانین اساسی تعدادی از کشورهای آسیایی و آفریقایی در زمینه حقوق بشر و محیط زیست مطالعه قرار کرد. بنا به جهت‌گیری این گزارش ماهیت مسائل محیط زیست و حقوق بشر در تمامی کشورهای جنوب آسیا مشابه هم می‌باشد. فهرست بلند و بالایی از مسائل مرتبط به محیط زیست همچون آلودگی آب‌ها، فقدان کنترل بر آلودگی رودخانه‌ها، ساخت غیر مسئولانه سدها و آبگیرها، فقدان دستیابی به آب آشامیدنی عاری از مواد سمی یا سایر آلودگی‌ها، افزایش آفت‌کش‌ها و مواد شیمیایی کشاورزی، ذخیره‌سازی و حمل و نقل کالاهای خطرناک در فرم‌های بسته‌بندی و آلودگی ناشی از مواد مایع مضر و مهلک، تنزل منابع دریایی و سواحل، آلودگی فلزات سنگین توسط مجاری فاضلاب‌های

صنعتی، تخلیه زباله‌های جامد در دریا، ایجاد بناهای بزرگ ساحلی، استخراج معادن، استفاده از شیوه‌های نامطلوب مصرف زمین، صید بی‌رویه، تکنیک‌های صید مخرب، پرورش میگو، ضرر سکونت‌گاه‌های ساحلی و جنگل‌زدایی، آلودگی زمین، خطر ایجاد شوری، آلودگی هوا، آلودگی صنعتی، افزایش حمل و نقل زباله‌های خانگی، مصرف زغال سنگ، مصرف انرژی، انباشتگی دود ارائه شده است. حق به محیط زیست سالم در قوانین اکثر کشورهای آسیایی همانند فیلیپین، پاکستان، هندوستان، مورد حمایت قرار گرفته است.

در پاکستان و بنگلادش قوانین زیست محیطی از جمله آلودگی آب و هوا و اصلاح آن در حوزه‌های خاص و زباله‌های خطرناک می‌باشد. در پاکستان قانون حمایت زیست محیطی (Environmental protection act) اصول و ضمانت اجرا و روش‌های حفظ و حمایت از محیط زیست را پیش‌بینی کرده است.

در بنگلادش قانون صیانت از محیط زیست سال ۱۹۹۵ چارچوب قانونی در زمینه محیط زیست را فراهم می‌کند. در هندوستان، زمانی که فردی با ادعای دفاع از منافع عمومی در زمینه محیط زیست، دادخواستی تقدیم می‌کند اولین سؤالی که برای دادگاه مطرح می‌شود این است که آیا خواهان حق دسترسی به دادرسی را دارد (از جهت سمت) یا خیر؟ در پاکستان و بنگلادش برای احراز سمت مدعی، آزمون فرد زیان‌دیده به مرحله‌ای اجرا گذاشته می‌شود. (Razzaque J., p.10)

به‌رغم اینکه از سال ۱۹۹۰ قوانین پاکستان و بنگلادش برداشت بسیار لیبرال منشانه از حق اقامه دعوی ارائه داده‌اند. با این وجود هیچ معیار و راهنمایی از مفهوم منافع عمومی در دعاوی زیست محیطی ارائه نشده است. (Ibid) فقدان قطعیت در این زمینه ابهامات زیادی را موجب شده است و در مجموع می‌توان اظهار نظر نمود که تشخیص این موضوع به عهده محاکم گذاشته شده است که تصمیمات بسیار متناقضی را در این خصوص صادر نموده‌اند. با این وجود آراء زیادی در خصوص جبران خسارات مدنی و کیفری از محاکم هند و پاکستان صادر شده است. (Ibid)

بررسی رویه محاکم هند و پاکستان نشان می‌دهد که تفکیک و مرزبندی بین دعاوی حقوق بشر و محیط زیستی بسیار دشوار می‌باشد. در خیلی از دعاوی که تحت عنوان منافع عمومی مطرح شده‌اند. هر دو جنبه زیست محیطی و حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است. در بنگلادش و پاکستان دعاوی مربوط به منافع عمومی عمدتاً تمامی جنبه‌های زیست محیطی نظیر آلودگی هوا یا آب، مدیریت زباله‌ها و آلودگی شهری را شامل می‌شوند. در طی دهه ۱۹۹۰ دادگاه‌های هندوستان دعاوی زیادی در خصوص استخراج از معادن، حفاظت از جنگل‌ها، آلودگی منابع آبی، نشت گاز، پروژه‌های توسعه و محیط زیست، خطرات زباله‌های

صنعتی تأمین معاش شهروندان را به عنوان پرونده‌های حقوق بشری مورد توجه قرار داده‌اند. (Ahuja, S., pp.27-32)

دادگاه‌های هندوستان هم چنین نسبت به دعاوی ناظر به حفاظت از زمین‌های مرطوب، آلودگی آب و هوا، آلودگی صوتی، آلودگی حاصل از حیوانات خانگی، تجارت و محیط زیست، مدیریت آب‌های زیرزمینی و توسعه و مدیریت سیستم‌های فاضلاب شهری اتخاذ تصمیم نمودند. دعاوی مشابهی در محاکم بنگلادش و پاکستان نیز مورد توجه قرار گرفته است. (Razzaque J., p.45) دیوان عالی هند در آرای خود مفهوم توسعه پایدار را نیز مورد توجه قرار داده است. در سال ۱۹۹۴ دیوان عالی کشور هند مستقیماً به اصل توسعه پایدار اشاره نموده و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی توسعه را مورد توجه قرار می‌دهد.

(Law Society of India V. Fertilisers & Chemicals Travancore Ltd. AIR 1994 Ker 308 at 360.)

اشاره به حقوق نسل حاضر و نسل آتی در آراء محاکم هند، پاکستان، بنگلادش بسیار نادر می‌باشد. در ۱۹۹۶ دادگاه هند مفهوم اصل احتیاط را تعریف کرده و تأکید نمود که معیارهای زیست محیطی که توسط مسئولین و دولت ایالتی تنظیم می‌شوند باید به گونه‌ای باشند که از عوامل تخریب و آسیب رسانی به محیط زیست محسوب نگردند.

(Vellore Citizen's Welfare Fourm (1996) 5 SCC 647 at 658, paras 11-13.)

متعاقب بیانیه ریو دادگاه‌های هند به حمایت بیشتر از محیط زیست پرداخته و اعلام کردند که هیچ‌گونه توجیهی در تهدید و تخریب محیط زیست قابل پذیرش نمی‌باشد و این قبیل اقدامات شایسته پیگرد قانونی می‌باشد. در قضیه M.c Mehta آمده است که بر اساس اصل احتیاط لازم است تا از هرگونه ساخت و ساز در محدوده یک کیلومتری دریاچه‌هایی که در نزدیکی دهلی واقع شده‌اند، باید اجتناب شود. (Razzaque J., p.14)

دیوان عالی هند در قضیه Taj trqpe zium در رأی صادره درخواست نمود که به خاطر حفاظت و جلوگیری از تخریب منطقه تاج محل، تمامی فعالیت‌های صنعتی و عوامل آلوده‌کننده‌ای که در پیرامون این منطقه قرار دارند باید به مکانی دیگر انتقال داده شوند. (2 SCC 353 (1997)). در قضایای متعددی دیوان عالی هند اصل احتیاطی را یکی از معیارهای

حمایت از محیط زیست اعلام نمود. (همان)

بخش ۱۱ قانون اساسی آفریقای جنوبی به حق زندگی اختصاص یافته است در بخش ۲۴ قانون اساسی حق برخورداری از محیط زیست سالم به رسمیت شناخته شده و دولت مسئول حفظ سلامت محیط زیست معرفی شده است. (Ibid.1-9) برای تضمین اجرای حقوق محیط زیست دولت رویه شفاف و معقولی را دنبال می‌کند و در این چارچوب دو حق بنیادین یعنی حق دستیابی به اطلاعات و حق اجرای مؤثر تصمیمات را نهاده کرده است (Ibid)

دیوان عالی آن کشور در قضیه (Director Mineral Development Gauteng Region and Sasol Mining L.T.D vaal) از دولت درخواست می‌کند در صدور مجوز استخراج معدن، به دغدغه‌های زیست محیطی مردم توجه کرده و جهت تأمین مصالح آنها تصمیم بگیرد. و نیازهای نسل آینده را در نظر بگیرد.

در قانون اساسی نیجریه حق به محیط زیست به عنوان یک حق فردی و در چارچوب حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است. در بخش یک اصل ۳۳ قانون اساسی آمده است که همه افراد دارای حق زندگی هستند این حق به مفهوم حفاظت از حقوق شهروندان در برابر تخریب و تنزل محیط زیست است. محاکم نیجریه نیز هرگونه تخریب و آسیب‌رسانی به محیط زیست را تخلف از حقوق بشر محسوب می‌کنند. حمایت از محیط زیست به ویژه در مناطق نفت‌خیز مورد توجه قرار گرفته است. (Okonmah, 1997, pp. 43-47)

در طی دهه ۱۹۹۰ محاکم نیجریه موارد متعددی از آسیب‌رسانی به محیط زیست را در چارچوب نقض مورد توجه قرار داده‌اند. از جمله می‌توان به قضیه Kenule Beeson Wiwa اشاره کرد که در آن مردم منطقه Ogoni در شکایت خود اعلام کردند که استخراج بیش از حد نفت باعث از بین رفتن زمین‌های کشاورزی آنها و آلوده شدن بسیاری از زمین‌ها و منابع موجود در این منطقه شده است و موجودات زنده بسیاری به این خاطر جان خود را از دست داده‌اند. (Fryna, 1999, pp. 121-150.)

نتیجه:

حق به محیط زیست سالم به عنوان یک حق اساسی و بنیادین جای خود را در مجموعه حقوق بشر باز کرده است. توجه ویژه به این حق موجب شناخت ظرفیت‌های حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی شده است. حق به محیط زیست به عنوان بخشی از حق حیات، حق به زندگی با استاندارد، حق به بهداشت، حق به هوای سالم، حق به علائق و ویژگی فرهنگی مورد توجه قرار گرفته و عمده‌تاً در درون نسل اول حقوق بشر توسعه یافته است. دعاوی مرتبط با این بخش از حقوق بشر مانند حقوق مدنی و سیاسی علیه دولت‌های ملی در محاکم ملی، و مراجع فراملی مانند دیوان اروپایی حقوق بشر و نهادهای نظارتی سازمان ملل کمیسیون حقوق بشر (شورای حقوق بشر فعلی) کمیسیون فرعی مبارزه با تبعیض طرح و پی‌گیری شده است. حق به محیط زیست به عنوان بخشی از erga omnis به این اعتبار که در مقابل همه اشخاص حقیقی و حقوقی قابل مطالبه باشد مورد استقبال قرار نگرفته و رویه قضایی مستحکمی در این خصوص شکل نگرفته است. با این وجود حق به

محیط زیست به خاطر ماهیت و طبیعت خود قابل مرزبندی با حقوق نسل اول به لحاظ چگونگی طرح دعوی و خسارات قابل مطالبه می‌باشد. از جنبه شکلی، دعاوی مربوط به حق به محیط زیست به صورت دسته‌جمعی قابل طرح می‌باشد و به لحاظ ماهیتی، نسل حاضر دارای سمت قانونی برای اقامه دعوی به جای نسل آتی می‌باشد. با این وجود در شرایطی که خسارات وارده به حق فردی به خاطر رعایت و احترام به حقوق و منافع عمومی ضرورت داشته باشد، دعاوی ناشی از نقض حق فردی محیط زیست غیر قابل استماع تشخیص داده شده‌اند. بررسی رویه دولت‌ها و رویه قضایی نشان می‌دهد که حق به محیط زیست برای شناخته شدن به عنوان یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر راه درازی در پیش دارد، چرا که نسل دوم حقوق بشر هم به لحاظ مبانی و محتوا و مضمون و هم به لحاظ شیوه قضایی پیگیری مطالبات افراد در مقابل عموم، با چالش‌های جدی مواجه می‌باشد.

منابع و مأخذ:

Books and Articles:

- 1- Ahuja, S., People, Law and Justice A Casebook of Public Interest Litigation. Vol. 1 and 2 (1997, Orient Longman, Delhi) and Rosencranz A., Divan S. (eds.) Environmental Law and Policy in India (2001, OUP, India).
- 2- Birnie W. Patricia and Boyle Alan E. International Law & The Environment, Oxford University Press, 1995, p. 28-40.
- 3- De Font Berssin Patrick, de l'effectivité du Droit à l'environnement sain à l'effectivité du droit à un logement décent: en marge de l'arrêt o neryldiz c: Turquie du 30 novembre 2004 in *Revue trimestrielle des droit de l'home*, 2005, vol. 43, p. 22.
- 4- EGBERT Boker and Rink van Grondelle, The Environment as a human right: the international journal of human rights. 2000, vol. 22, pp. 74-93.
- 5- Fitzmaurice Malgosia, The Right of the Child to Clean Environment, 23 southern Illinois University Law Journal (1999), P. 611-656.
- 6- For case examples: Frynas J. G., "Legal Change in Africa: Evidence from Oil related Litigation in Nigeria." (1999) Journal of African Law, Vol. 43, 121-150.
- 7- Gormely W. Paul, The Right to a Safe and Decent Environment, 28 The Indiana Journal of International Law, 1988, 1-32.
- 8- Merini Muriel "Protection de l'individu contre les nuisance environnemental *Revue trimestrielle des droits de l'Homme* n. 65, janvier 2006 P. 56.
- 9- Kate Cook, Matrix Chambers, November 2004, third generation Rights, A comparison between the Right to development and environmental Rights www.pgr.mpf.gov.br/pgr/pfdc/destaque/british_council_fco_July_2003_PDF
Sachs Wolfgang: Environment as Human Rights, published by Wuppertal institute for climate, Environment, Energy, no. 137 November 2003, P. 9.
- 10- Pathak R.S., *The Human Rights System as a Conceptual Framework for Environmental Law* in Weiss, E.B(ed.), Environmental Change and International Law, United Nations University Press, 1992, p.209.
- 11- Okonmah, P.D., 'Right to a Clean Environment: the Case for the People of Oil Producing Communities in Nigerian Delta' (1997) Journal of African Law, Vol. 41, 43-67.
- 12- Razzaque J., 'Public Interest Environmental Litigation in India, Bangladesh and Pakistan' (PHD Thesis University of London. 2001); Boyle Alan E. and Anderson M.R., (eds.), Human Rights Approaches to Environmental Protection, (1996, Clarendon, Oxford).
- 13- Razzaque Jona Joint UNEP-OHCHR Expert Seminar on Human Rights and the Environment 14-16 January 2002, Geneva. Background paper no. 4. Human Rights and the Environment: Developments at the National Level, South Asia and Africa.

- 14- Sachs Wolfgang: Environment as Human Rights, published by Wuppertal institute for climate, Environment, Energy, no. 137 November 2003, P. 9.
- 15- Shelton Danish, *Human Rights, Environmental Rights, and the Right to Environmental*, 28 Stanford Journal of International Law, 1991, P. 107.

Documents:

- 1- 1988 *Additional Protocol to the American Convention on Human Rights in the Area of Economic Social, and Cultural Rights, (Protocol of San Salvador) article 11*, 28 I.L.M. (1989), 698.
- 2- African Charter of Human and peoples "Rights, 21 I.L.M. 59, 1981.
- 3- Biz kaia Declaration on the Right to Environment, issued at the international seminar of experts on the Right to Environment, organized by UNESCO and the United Nations high commissioner for human rights, UN doc, 30c/INF 11, 24, 09. 1999.
- 4- Bizkaia, Declaration on the Right to Environment, issued at the International Seminar of Experts on the Right to Environment, organized by UNESCO and the United Nations High Commissioner for Human Rights, UN doc, 30c/INF 11, 24, 09. 1999.
- 5- Commission on Human Rights, Resolution 1995/14, UN Doc. E/CN.4/RES/1995/14, 24 February 1995, available at www.unhchr.ch.
- 6- Commission on Human Rights, Resolution 1995/14, UN Doc. E/CN4/RES/1995/14, 24 February 1995, available at www.unhchr.ch.
- 7- Giorgetta Sueli, the Right to a healthy environment / un/Doc. A/Con NF. 157/23, 12 July 1993. p392.
- 8- *Guerra and Others v. Italy (116/1996/735/932)*, 19 Feb. 1998, quoted in P. Eleftheriadis. *The Future of Environmental Rights in the European Union*, in Alston, P. (ed.). *The EU and Human Rights*, Oxford University Press, 1999, p. 529-549.
- 9- Human Rights and the Environment – Report of the Secretary – General, UN Doc. E/CN.4/1997/18.¹ Guerra V Italy 1988 /ehrr 357.
- 10- Human Rights, Environment and Development, with special emphasis on corporate accountability, Human%20 development%20 report%20 2000%20 background%20 paper.htm.
- 11- Joint UNEP-OHCHR Expert Seminar on Human Rights and the Environment 14-16 Hanuary 2002, Geneva. (The Background Papers reflect the views of the authors and not of UNEP or OHCHR). BACKGROUND PAPER NO. 6, Review of jurisprudence on human rights and the environment in Latin America(This review is partly based on a previous article by Adriana Fabra, "Enforcing the right to a healthy environment in Latin America", published in the RECIEL, vol. 3:4 (1994). The authors wish to thank the generous contribution of the following lawyers and organizations xithout whose assistance this paper would not have been possible: Eduardo Astorga, Chile, Cedarenam Costa Rica; Centro de Derechos Humanos y Medio Ambiente, Argentina; Cento de Estudios Ambientales, Argentina; Cordavi, Ecuador; Fundepublico, Colombia; Virginia Gascon y la Fundacion Derecho y Recursos Naturales, Argentina; IDEADS, Guatemala, and The Sociedad Peruana de Derecho Ambiental, Peru. Translations of original texts are made by Adriana Fabra.
- 12- *Proposed Legal Principles for Envvironmental Protection and Sustainable Development, adopted by the Expert Group on Environmental Law of the World Commission on Environmental and Development, in Environmental protection and Sustainable Development Legal Principles and Recommendations*, M.Nijhoff Publi. Dordrecht, June 1987, p. 25-33. Article 1- fundamental human right, states that "All human beings have the fundamental right to an environment adequate for their health and well-being." (Herein-after referred to as Legal Expert Group).
- 13- Report of the world Summit for social Development and Copenhagen Declaration, New York, Department of Economic and Social Affairs, United Nations, UN Doc. A/ CONF. 166/9.
- 14- Report of the world summit for social development and Copenhagen declaration, New York, department of economic and social affairs, United Nations, UN doc A/ conf. 166/9.
- 15- *Rio Declaration on Environment and Development, Rio de Fameiro, 13 Jnne 1992*, UN Doc. A/CONF. 151/5/rev. 1.

- 16- World charter for nature, un general assembly res. no 37/7 adopted on 28 October 1982, principle 10.
- 17- Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-Making and Access to Justice in Environmental Matters (Aarhus Convention), adopted in Aarhus, Denmark on 25 June 1998. Available at www.unece.org/env/pp; 38 I.L.M. 517 (1999).
- 18- Ksentini Fatma Zohra, Progress Reports Human Rights and the Environment, UN Doc. E/CN.4/Sub.2/1992/7.

Cases:

- 1- *Bladet Tromso and Stensaas V. Norway*, judgment of 20 may 1999.
- 2- *Case 14967/89, Guerra and others V. Italy*, 1998-1 ECHR, Judgment of 19 February 1998.
- 3- *Chassagnou and others V. France*, ECHR, judgment of 29 April 1999. Available at [HTTP://WWW.Dhcommhr.Coe.Fr/fr/2508831.F.html](http://WWW.Dhcommhr.Coe.Fr/fr/2508831.F.html).
- 4- *Chassagnou Marie and others v. France*, ECHR, judgment of 29 April 1999, available at <http://www.dhcommhr.coe.fr/fr/2508831.F.html>.
- 5- Farooque M. V. Bangladesh (FAP case) {49 DLR (AD) 1997 1}; Saiful Islam Dider V. Bangladesh {50 DLR} 1998) 318}. . Benazir Bhutto V. The Federation of Pakistan (PLD 1988 SC 416) (Political case) and Darshan Masih v. State (PLD 1990 SC 513) (Human rights case).
- 6- *Guerra V Italy* 1988 /ehrr 357.
- 7- *ICJ Advisory opinion concerning the legality of the threat or use of nuclear weapon* 1996, vol.1.
- 8- ICJ Reports of Judgments, Advisory Opinions and Orders, 1996, Vol. 1, paragraph 29.
- 9- Inter-Am. C.H.R Report on the Situation of Human Rights in Brazil, OEA/Ser. L/V/II. 97, doc. 29, Rev. 1, (1997).
- 10- Inter-Am.C.H.R., Report on the Situation of Human Rights in Ecuador, OEA/Ser. L/V/II. 96 doc. 10 Rev. 1 (1997).
- 11- *Lopez-Ostra v. Spain*, ECHR (1994), series A, no 303c.
- 12- *Mateosy Silva Ltd. And others V. Portugal*, 1996-IV. ECHR, judgment of 16 September 1996.
- 13- *Pine Valley Development V. Ireland*, ECHR. Ser. A. no 222 (1991).
- 14- *The Nuclear Tests Case (New Zealand v. France)*, I.C.J. Report 1995, Judge Weeramantry dissenting opinion.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:

«قدرت اجرایی قطعنامه‌های شورای امنیت (جنگ عراق و کویت) سال ۷۳، شماره ۳۳. «وابستگی متقابل حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل خصوصی در مسأله صلاحیت» سال ۷۵، شماره ۳۵. «تحلیل حقوقی پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» با تأکید بر ماده ۴ پیمان» سال ۷۶، شماره ۳۷. «گفت و گوی تمدن‌ها در حوزه حقوق بین‌الملل» سال ۸۰، شماره ۵۳، «حق توسعه و جهان‌شمولی حقوق بشر» سال ۸۱، شماره ۵۶.